

یادی از استاد گران قدر منصور طاهری انارکی

فصلنامه‌ی گزارش برآن بوده تا بزرگان تأثیرگذار را به گونه‌ای شایسته بشناساند و کوشش بر این داشته که تا حد امکان این امر را در زمان زندگی این ارجمندان صورت دهد.

قرار بر این بود که دکتر منصور طاهری انارکی هم در این شمار باشد. با پی‌گیری‌های انجام گرفته و آگاهی از این که ایشان به دلیل بیماری در خارج از کشور به سر می‌برد، می‌خواستیم این گفت‌وگو به صورت مجازی انجام شود که سوگ‌مندانه با درگذشت این استاد در نیمه‌ی اسفند ۱۳۹۸ این خواسته محقق نشد.

ایشان با داشتن زندگی پُر فراز و نشیب خود، همواره کوشش می‌کرد که دانشجویان و محیط زیست خود را بهتر بشناسد و بشناساند و با فصلنامه‌ی گزارش سازمان نظام مهندسی ساختمان فارس هم ارتباط داشت.

در سال ۱۳۹۴ هنگام برگزاری پنجاهمین سال بنیان‌گذاری دانشکده‌ی مهندسی دانشگاه شیراز، دست‌اندرکاران همایش، ضمن جمع‌آوری اطلاعات و تاریخچه‌ی دانشکده‌ی مهندسی، مصاحبه‌هایی نیز با شماری از پیش‌کسوتان دانشکده به عمل آوردند که با کوشش خانم مهندسی مینو نعمت‌اللهی در کتابی زیر عنوان «پیشینه دانشکده مهندسی دانشگاه شیراز» در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت. مصاحبه با زنده‌یاد دکتر منصور طاهری انارکی نیز یکی از آن‌هاست که گزیده‌ای از آن همراه با مقاله‌ای از ایشان که در شماره‌ی ۹ به تاریخ اسفند ۱۳۷۹ چاپ شده است، در این شماره درج و بازنشر می‌یابد.

محمد رضا راهنما



گفت‌وگو با دکتر منصور طاهری

از کتاب «پیشینه‌ی دانشکده‌ی مهندسی دانشگاه شیراز (از ۱۳۴۳ تا ۱۳۹۳)»
تألیف مینو نعمت‌اللهی، شیراز،
نشر نگره، ۱۳۹۶، ص ۱۴۸-۱۴۴

۱۳۱۵-۱۳۹۸

پذیرفته شدم. در سال ۱۳۱۸ آموزشگاه نفت آبادان به وجود آمده بود و بعداً تبدیل به دانشکده‌ی نفت شد. دوران دانشجویی من بعد از ملی شدن صنعت نفت بود. تمام خارجی‌ها را خلع ید کرده بودند و نیاز به مهندس در پالایشگاه نفت خیلی زیاد بود. در آزمون ورودی ۴۰ نفر را انتخاب می‌کردند و در چهار رشته‌ی مهندسی برق، مهندسی مکانیک، مهندسی پالایش و شیمی علوم آموزش داده می‌شدند. من رشته‌ی مهندسی پالایش را انتخاب کردم. مهندسی شیمی شناخته شده نبود و پالایش نامیده می‌شد. در دانشگاه تهران رشته‌ی شیمی کاربردی وجود داشت. مدت چهار سال دوران دانشجویی همراه با کارآموزی در پالایشگاه آبادان بود. بعد از فارغ‌التحصیلی در مناطق نفت‌خیز گچساران و آغاچاری مشغول به کار شدم. در صنعت آبادان یک نظم خاص وجود داشت. بعد از ملی شدن صنعت نفت این نظم ادامه پیدا کرد. در آن موقع که ما در مناطق نفت‌خیز کار می‌کردیم، باید از ابتدا مراحل را پشت سر می‌گذاشتیم تا به موقعیت بالاتر می‌رسیدیم. مسائل عقیدتی مطرح نبود، تجربه خیلی مهم بود. علم جای خود و تجربه نیز جای خود را دارد. بعد از انقلاب متأسفانه دانشجویانی که تازه فارغ‌التحصیل شده بودند در سمت‌های خیلی حساس و بالا گماشته شدند که سبب شد همه چیز افت پیدا کند و نابه‌سامانی ایجاد شود.

دو سال بعد شرکت نفت تصمیم گرفت دانش‌آموختگان رتبه اول را برای ادامه‌ی تحصیل بورسیه کند. دکتر جدابابایی رتبه اول شده

* بخش‌هایی منتخب از گفت‌وگوی ویدیویی با دکتر منصور طاهری انارکی به مناسبت مراسم بزرگداشت پنجاهمین سال بنیان‌گذاری دانشکده‌ی مهندسی دانشگاه شیراز که توسط نگارنده انجام شده است.

* لطفاً از خودتان بگویید؟

با تشکر از برگزارکنندگان این همایش، من در سال ۱۳۱۵ در انارک متولد شدم. دوران دبستان را در آن‌جا طی کردم و چون در آن زمان مقطع دبیرستان در انارک وجود نداشت، برای ادامه‌ی تحصیل به دبیرستان علمیه‌ی تهران رفتم. اگر بخوام حال و هوای آن زمان را مجسم کنم، در انارک امکانات بسیار محدود و سختی زیاد بود و زندگی تقریباً خودکفا بود. آمدن از انارک به اصفهان با کامیون‌هایی امکان‌پذیر بود که زغال را که متأسفانه از سوزاندن درختان جنگل در آن ناحیه تولید می‌شد، به اصفهان می‌بردند و فاصله‌ای که طی کردن آن امروز سه تا ۴ ساعت طول می‌کشد، حدوداً ۱۶ساعته طی می‌شد. چون شرایط بهتری را تجربه نکرده بودیم، سختی‌ها را تحمل می‌کردیم و از هر موقعیت بهتری که پیش می‌آمد استقبال می‌کردیم. انسان باید همیشه پیشرفت خودش را با خودش مقایسه کند و در جهت بهتر شدن شرایط تلاش کند. بعد از گرفتن دیپلم در آزمون ورودی (کنکور) آموزشگاه نفت آبادان شرکت کردم و



بود. بورسیه شد و در آمریکا به تحصیلات خود تا دکتری ادامه داد. من نفر دوم یا سوم شده بودم. گرفتن پذیرش و ویزا آسان بود. من نیز برای ادامه‌ی تحصیل و اخذ دکتری در سال ۱۳۴۱ به آمریکا رفتم. در دانشکده‌ی نفت آبادان استادان ما در حد لیسانس بودند. دانشگاه **Case Institute of Technology** پس از اخذ چندین درس پیش‌نیاز در رشته‌ی مهندسی شیمی ادامه دادم. بعد از گرفتن دکتری در رشته‌ی مهندسی شیمی در سال ۱۳۴۸ به دعوت شادروان دکتر منوچهر وصال معاون آموزشی پژوهشی دانشگاه پهلوی و دکتر اردشیر ایدون رییس دانشکده‌ی مهندسی، به عنوان هیأت علمی بخش مهندسی شیمی تدریس خود را شروع کردم.

* در سال ۱۳۴۸ بخش مهندسی شیمی چه امکاناتی داشت؟

زمانی که کار خود را شروع کردم، دکتر ایدون و دکتر جدبابایی برای اولین بار در ایران رشته‌ی مهندسی شیمی را در دانشکده‌ی مهندسی به وجود آورده بودند. آزمایشگاه‌های عملیات واحدها، انتقال حرارت، مکانیک سیالات، شیمی-فیزیک و آزمایشگاه نفت ساخته و تجهیز شده بودند. یک کارگاه در طبقه‌ی زیرین ساختمان با کادر فنی بسیار قوی داشت که قادر بودند دستگاه‌های مورد نیاز بخش را بسازند و تعمیرات لازم آزمایشگاه‌ها را انجام دهند. انبار وسایل شیشه‌ای آزمایشگاهی و انبار مواد شیمیایی مجاور آن بود. استادان تمام‌وقت بودند. پروفیسور کالدرینک و پروفیسور داج دعوت شده بودند و مرخصی مطالعاتی خود را در بخش مهندسی شیمی می‌گذراندند. دانشجویان، دروس عمومی شیمی و شیمی آلی را با استادان شیمی علوم می‌گذراندند. استادان دیگر بخش مهندسی شیمی دکتر عزیز احمدیه، دکتر منوچهر زیرک‌زاده، دکتر علی اوحدی استادان تمام‌وقت بخش بودند. تعداد دانشجویان کم بود و نسبت تعداد استاد به دانشجو خیلی خوب بود. دوره‌ی فوق لیسانس تخصصی (MSc) نیز تصویب شده بود. اولین درسی را که در بخش مهندسی شیمی تدریس کردم، درس «پدیده‌های انتقال» بود که دکتر حسن ظهور و خانم مینو نعمت‌اللهی و بعد از آن دکتر مسعود بیضایی اولین دانشجویان MSc این درس بودند. دانشجویان واقعاً دانشجو بودند و تمام‌وقت در جهت یادگیری تلاش می‌کردند. استادان نیز سعی می‌کردند محیطی ایجاد شود که بهترین مهندسان تربیت شوند و در این زمینه موفق بودند. اکنون وقتی به دانشکده‌ی مهندسی شیمی، نفت و گاز که بسیار گسترش یافته می‌روم رییس، معاونان و اکثر استادان آن، دانش‌آموختگان بخش مهندسی شیمی هستند. در صنعت نیز مهندسان دانش‌آموخته‌ی این بخش بسیار موفق و مؤثر بوده‌اند.

در دانشکده‌ی مهندسی یک کامپیوتر IBM بزرگ وجود داشت. دانشجویان برای محاسبات پیچیده و پروژه‌های خود باید به زبان کامپیوتر برنامه می‌نوشتند و با پانچ کردن کارت‌های مخصوص برنامه را به دستگاه می‌دادند که بسیار وقت‌گیر بود. ماشین حساب وجود نداشت و برای محاسبات ضرب و تقسیم و توان و لگاریتم از وسیله‌ای به نام خط‌کش محاسبه استفاده می‌شد. به یاد دارم دانشجویی برای تحصیل از انگلیس به دانشکده‌ی مهندسی آمده بود. یک ماشین حساب همراه داشت. دانشجویان به دور او جمع شده

بودند که این وسیله‌ی جادویی چه‌گونه محاسبات را انجام می‌دهد. البته در سال‌های بعد ماشین‌های حساب کوچکی در دسترس دانشجویان قرار گرفت و سپس مدل‌های پیشرفته‌ی آن رایج شد. ضمن این‌که امروزه استفاده از آن‌ها و برنامه‌های پیش‌نویسه‌ی کامپیوتری محاسبات را خیلی سریع و راحت کرده است؛ ولی استفاده‌ی دایمی از آن‌ها سبب تنبلی مغز می‌شود.

* شما در زمینه‌ی محیط‌زیست بسیار فعال بوده‌اید. چه‌گونه به مسایل محیط‌زیست علاقه‌مند شدید؟

شرایط زندگی در دوران کودکی بر هر فردی تأثیر بسیار دارد. من سال‌های اولیه‌ی عمرم را در انارک گذراندم. خانواده‌ی ما در مزرعه‌ای بین اردکان یزد و انارک کار می‌کردند. مسیر رفت‌وآمد ما جنگل بود و گل‌های آهو را در آن می‌دیدیم. محیط خیلی سالم بود. من به طبیعت خیلی علاقه داشتم. به دو دلیل این محیط خراب شد. یکی معدن سنگ سرب بود که برای سوخت کوره‌ها و جدا کردن سرب آن از سنگ معدن، درختان جنگل را می‌بریدند و دیگر این‌که برای تهیه‌ی زغال درختان را قطع می‌کردند و زغال را با کامیون به شهرهای دیگر می‌بردند. من علاقه‌مند شدم که چگونه می‌توان محیط‌زیست را حفظ کرد. در دوره‌ی دکتری استاد مشاور من نیز تحقیقاتش در همین زمینه بود که باعث شد من بیش‌تر به حفظ محیط‌زیست علاقه‌مند شوم. در بخش نیز با وجود کادر فنی ماهر آقای نیک‌سرشت، آقای پسندیده و آقای درخشانیان و چند دانشجوی علاقه‌مند توانستیم دستگاه‌های مورد نیاز را بسازیم و پروژه‌های خوبی انجام دهیم.

* با تجربیاتی که در این مدت در امر آموزش و تحقیق داشته‌اید، چه پیشنهادی برای بهبود کیفیت آموزشی دارید؟

به نظرم من باید به برنامه‌های کارآموزی و کارهای عملی توجه بیش‌تری شود و در این زمینه امتیازاتی داده شود تا استادان بر کارآموزی دانشجویان نظارت داشته باشند و پروژه‌هایی که انجام می‌شود تداوم داشته باشد تا نتیجه‌های مطلوب حاصل شود.

مورد دیگر این‌که به دانشجویان دوره‌ی دکتری امکانات بیش‌تری داده شود. در اوایل انقلاب دانشجویانی که برای ادامه‌ی تحصیل به خارج کشور اعزام می‌شدند خود و خانواده‌های آن‌ها را همه‌گونه تأمین می‌کردند که خیلی از آن‌ها به مملکت بازنگشتند. در صورتی که به دانشجویانی که در داخل کشور ادامه‌ی تحصیل می‌دهند، امتیاز چندانی داده نمی‌شود.

* بهترین خاطره‌ی شما از محیط دانشکده چیست؟

بهترین خاطره‌ی من این است که در تربیت مهندسان موفق بوده‌ام و هنگامی که با دانش‌آموختگان بعد از سال‌ها برخورد پیدا می‌کنم با احترام از عدالتی که در آموزش آن‌ها وجود داشته یاد می‌کنم. قدردانی آن‌ها برایم بهترین پاداش و خاطره است.

